

تاثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر تضعیف اثر مدیریت سود بر کیفیت سود

علی خوزین

استادیار گروه حسابداری، واحد علی‌آبادکتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی‌آبادکتول، ایران

khozain@yahoo.com

جمال محمدی

دانشجوی دکتری گروه حسابداری، واحد علی‌آبادکتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی‌آبادکتول، ایران

mohamady_jamal@yahoo.com

نازنین نقی‌زادی

کارشناسی ارشد حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

Nazanin.naghizadi@gmail.com

چکیده - براساس مبانی نظری، حاکمیت شرکتی باعث کاهش مدیریت سود و در مقابل منجر به افزایش کیفیت سود خواهد شد. در این پژوهش به بررسی تاثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی شامل مالکیت نهادی و اندازه هیات مدیره در تضعیف اثر مدیریت سود بر کیفیت سود پرداخته می‌شود. برای اندازه‌گیری مدیریت سود از مدل تعدیل شده جونز و برای اندازه‌گیری کیفیت سود از پایداری سود استفاده شده است. جامعه آماری شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و نمونه پژوهش شامل ۱۱۰ شرکت در بین سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ می‌باشد. جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش از رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است، که مالکان نهادی بر تضعیف اثر مدیریت سود بر کیفیت سود تاثیر معناداری دارد، اندازه هیات مدیره بر تضعیف اثر مدیریت سود بر کیفیت سود تاثیر معناداری ندارد. **واژه‌های کلیدی:** مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی، مالکیت نهادی، هیات مدیره، مدیریت سود و کیفیت سود.

مقدمه

مهم‌ترین ویژگی شرکت‌های سهامی تفکیک مالکیت از مدیریت آن‌هاست. رابطه بین کیفیت سود، حاکمیت شرکتی و مدیریت سود را می‌توان در تئوری نمایندگی مورد بحث قرار داد. طبق تئوری نمایندگی، مدیران ممکن است تصمیماتی اتخاذ نمایند که هدف آن بهینه نمودن ثروت و یا حداقل نمودن ریسک و خطرپذیری خودشان نسبت به قیمت از دست رفتن سرمایه مالکان باشد. در تئوری نمایندگی هدف مالکان، حداکثرسازی

ثروت است. در راستای کنترل این وضعیت، سازوکارهای متعددی برای محدود کردن تضاد نمایندگی، تحت عنوان "حاکمیت شرکتی" پیشنهاد شده است. حاکمیت شرکتی عبارت است از مجموعه سازوکارهایی که مدیران علاقه‌مند به نفع شخصی خویش را ترغیب به اتخاذ تصمیماتی می‌کند که عملکرد شرکت را برای سهامدارانش حداکثر می‌نماید (نمازی و ابراهیمی، ۱۳۹۲).

حاکمیت شرکتی داخلی به عنوان ابزار معتبر پیشگیری در مدیریت سود به شمار می‌آید. استقرار حاکمیت شرکتی برای حفظ اعتبار صورت‌های مالی شرکت و حفاظت در برابر دستکاری سود ضروری است. هر یک از مکانیزم‌های داخلی و خارجی حاکمیت شرکتی به نوبه خود می‌تواند در کاهش مدیریت سود و به طبع آن بهبود کیفیت سود کمک نماید. تضاد منافع مدیران باعث کاهش بالقوه در ویژگی‌های حاکمیت شرکتی در کنترل و نظارت توسط هیات مدیره می‌شود. هیات مدیره نقش مهمی در نظارت ایفا می‌کند. مالکان نهادی و هیات مدیره قوی، نظارت کارآمد توسط آنها باعث افزایش شفافیت صورت‌های مالی و کاهش دستکاری سود می‌شود. هیات مدیره مسئول نظارت بر عملکرد شرکت برای افزایش منافع سهامداران است. مالکیت نهادی و هیات مدیره خوب می‌تواند عمل مدیریت سود را توسط شرکت‌ها به حداقل برساند. گزارشات هیات مدیره اثر مهمی در کیفیت صورت‌های مالی دارد. در واقع، هیات مدیره با تجربه و مستقل، برای کاهش عملکرد مدیریت سود مفید است. علاوه بر آن، مالکان نهادی حق کنترل در مدیران اجرایی شرکت را دارند. در این شرایط انتظار می‌رود این مکانیزم‌ها باعث بهبود کیفیت سود، به نوبه خود باعث کاهش مدیریت سود شود (فاروق و سویونو^۱، ۲۰۱۳).

بخش عمده تحقیقات بر این تاکید دارد که بودن سامانه مالکان نهادی و هیات مدیره نیرومند و مستحکم در شرکت‌ها، رفتار فرصت‌طلبانه و سودجویانه مدیران را محدودتر می‌کند. بنابراین، کیفیت و توان اتکای گزارشگری مالی (به ویژه سودهای حسابداری) بهبود خواهد یافت و در نتیجه موجبات اعتماد بیشتر سرمایه‌گذاران به بازار سرمایه فراهم می‌شود (مهرانی و صفرزاده، ۱۳۹۰).

بر اساس مطالب بیان شده، این پژوهش به دنبال بررسی این سوال می‌باشد که مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی چه تاثیری بر تضعیف اثر مدیریت سود بر کیفیت سود دارد؟

¹ Farooque and Suyono

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

کیفیت سود

سود حسابداری از جمله اطلاعاتی است که به‌عنوان مبنایی برای تصمیم‌مورد توجه قرار می‌گیرد. در محاسبه این رقم از مبنای تعهدی استفاده می‌گردد. بنابراین وجود زمینه مناسب برای تخریب سود به دلایلی همچون تضاد منافع و محدودیت‌های ذاتی حسابداری مانند خطا در پیش‌بینی‌ها و برآورد و استفاده از رویه‌ها مختلف حسابداری توسط بنگاه‌ها موجب می‌شود که سود واقعی از سود گزارش شده در صورت‌های مالی بنگاه متفاوت بوده است در تعیین ارزش شرکت نه تنها به کمیت سود، بلکه باید کیفیت آن نیز توجه شود. تعریف واحدی از کیفیت سود ارائه نشده است بلکه کیفیت سود مفهومی نسبی است که به ارتباط آن با دیدگاه‌ها و نگرش‌های مختلف بستگی دارد. لذا تعاریف متعددی از آن صورت گرفته است برای نمونه هیأت استانداردهای حسابداری مالی بیان می‌دارد که سودی که بر مبنای حسابداری تعهدی محاسبه شده، در مقایسه با جریان‌های نقدی بهتر می‌تواند جریان‌های نقدی آینده را پیش‌بینی نماید؛ زیرا اقلام تعهدی حسابداری که یک جز کلیدی از سود است در مورد جریان‌های نقدی آتی حاوی اطلاعات می‌باشد. بنابراین از این دیدگاه می‌توان گفت سودی با کیفیت‌تر است که توانایی بیشتری در پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی داشته باشد (فروغی و محمدی، ۱۳۹۰). یکی از معیارهای اندازه‌گیری کیفیت سود، پایداری سود است. پایداری سود از جمله ویژگی‌های کیفی سود حسابداری به‌شمار می‌آید که بر اطلاعات حسابداری مبتنی است و به سرمایه‌گذاران در ارزیابی سودهای آتی و جریان‌های نقدی شرکت کمک می‌کند سرمایه‌گذاران در برآورد سودهای آتی و جریان‌های نقدی مورد انتظار خود به بخش پایدار سود بیشتر از بخش ناپایدار آن اهمیت می‌دهند. به‌میزانی که سودهای گذشته بر روی سودهای آتی تاثیرگذار می‌شوند، پایداری یا ثبات سود اطلاق می‌شود به بیان بهتر پایداری به معنای بادوام بودن، تکرارپذیری و دائم بودن سود در سال‌های آتی است (سرهنگی و فراهانی، ۱۳۹۳).

مدیریت سود

مدیریت سود یکی از روش‌هایی است که گاهی اوقات برای آرایش اطلاع‌رسانی مطلوب شرکت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. مدیریت سود روشی است که توسط مدیریت جهت دستکاری داده به کار می‌رود. مدیریت سود را می‌توان به ۳ دسته: (۱) حسابداری تقلب (۲) مدیریت اقلام تعهدی (۳) دستکاری فعالیت‌های

شرکت تقسیم نمود. مدیریت سود درجه‌ای از قابلیت انعطاف‌پذیری و اعمال نظری است که مدیران در گزارشگری مالی خود دارند مدیران ممکن است از این قدرت خود برای مدیریت فرصت طلبانه سود یا انتقال اطلاعات محرمانه درباره عملکرد آتی شرکت استفاده نماید (فاروق و سوییونو، ۲۰۱۳). یک عامل بنیادی در آزمون مدیریت سود در شرکت‌ها، تخمین عامل اختیار و اعمال نظر مدیران در تعیین سود است. بررسی ادبیات مبتنی بر مدیریت سود، بیانگر وجود رویکردهای متفاوت با شناسه‌ای مختلف در تخمین و اندازه‌گیری اختیار مدیریت در تعیین سود گزارش شده است. یکی از مهم‌ترین این رویکردها، مبتنی بر کاربرد اقلام تعهدی اختیاری به عنوان شاخصی برای تعیین و کشف مدیریت سود در واحدهای تجاری است. هیلی، دی آنجلو و جونز، در طی انجام مطالعاتی در زمینه مدیریت سود، با به کارگیری اقلام تعهدی برای کشف مدیریت سود اقدام به آرایه مدل‌هایی کرده‌اند که در تحقیقات بعدی بارها آزمون شده‌اند. دچو و همکاران با آرایه مدلی که از آن پس "مدل تعدیل‌شده جونز"، نام گرفت، این مدل را با مدل‌های جونز، هیلی و دی آنجلو و نیز مدل صنعت، مورد مقایسه قراردادند و به این نتیجه رسیدند که مدل تعدیل‌شده جونز از قدرت بیشتری برای کشف مدیریت سود در واحدهای تجاری برخوردار است (مشایخی و همکاران، ۱۳۸۴). بنابراین پژوهش حاضر برای بررسی مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از مدل تعدیل‌شده جونز استفاده می‌شود.

مالکان نهادی و هیات مدیره

مالکان نهادی شامل بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، صندوق‌های بازنشستگی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و سایر موسسه‌هایی هستند که به خرید و فروش حجم بالایی از اوراق بهادار می‌پردازد (بوشی^۱، ۱۹۹۸). سه فرضیه پیرامون تاثیر مالکان نهادی بر ارزش، عملکرد و کارایی شرکت وجود دارد: (۱) فرضیه نظارت کارا (۲) فرضیه تضاد منافع (۳) فرضیه همسویی استراتژیک. از این رو طبق فرضیه نظارت کارا انتظار می‌رود که بین مالکان نهادی و کارایی شرکت رابطه‌ی مثبتی وجود داشته باشد. اما فرضیه همسویی استراتژیک و تضاد منافع بیانگر این است که سهامداران نهادی بزرگ، اتحادهای استراتژیکی با مدیریت کنونی برقرار می‌کنند و رفتار رای‌دهی آنها تحت تاثیر رابطه فعلی آنها با مدیریت قرار خواهد گرفت. از این رو، احتمال مخالفت آنها با

¹ Bushee

مدیریت کمتر بوده و تاثیر منفی بر کیفیت گزارشگری و عملکرد دارند. روداک و همکاران^۱ (۲۰۰۶) اعتقاد دارند که سیستم‌های مکانیزم حاکمیت شرکتی مناسب منجر به تقویت و مهارت مدیران و کمیته حسابرسی شده و نظارت موثر بر فعالیت‌های مدیران نموده و در نهایت این امر منجر به بهبود کیفیت صورت‌های مالی می‌شود و این امر با محدود ساختن فرصت‌های مدیریت سود انجام می‌گردد. گروه‌های پرشماری در حاکمیت شرکتی نفوذ دارند که در این میان، مالکان نهادی نقش مهمی را در کیفیت گزارشگری ایفا می‌کنند از دیدگاه نظری، جایگاه مالکیت نهادی در حاکمیت شرکتی بسیار پیچیده است. مالکیت نهادی یکی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی قوی را بازنمایی می‌کند و می‌تواند بر مدیریت شرکت نظارت داشته باشد. زیرا هم می‌تواند بر شرکت نفوذی چشم‌گیر داشته و هم منافع گروه سهامداران را همسو کند. هر روز بر اهمیت نقش نظارتی مالکیت نهادی افزوده می‌شود زیرا آنها بسیار بزرگ و با نفوذ شده‌اند و در عین حال تمرکز مالکیت قابل ملاحظه‌ای را به دست آورده‌اند (مراذزاده و همکاران، ۱۳۹۱).

توجه اصلی و مهم مکانیزم حاکمیت شرکتی بر بهبود کیفیت گزارشگری مالی برای ایجاد هیات مدیره کارا و موثر است. صاحب‌نظران و متخصصان حوزه حاکمیت شرکتی، بر این باورند که یکی از اصول مهم حاکمیت اثربخش، ارزیابی عملکرد هیات مدیره به‌طور مستمر است. امروزه هیات مدیره، به‌عنوان عنصر کلیدی در مثلث حاکمیت شرکت، نقش اساسی در هدایت و پیشبرد سازمان‌ها برعهده دارند (دهقان نیری و همکاران، ۱۳۸۸). هیات مدیره شرکت منبعی اصلی برای کنترل دستکاری‌های سود و کیفیت صورت‌های مالی است درگیری مدیران برای منافع شخصی و عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران باعث کاهش شفافیت اطلاعات حسابداری می‌شود. وجود هیات مدیره قوی باعث نظارت و کنترل بر عملکرد مدیران شده و باعث می‌شود که هیات مدیره اطمینان حاصل کند که در فعالیت‌های مدیران، منافع سهامداران در نظر گرفته شده سودجویی و تقلب کاهش یافته است (فاروق و سویونو، ۲۰۱۳). در زمینه تاثیر هیات مدیره بر حاکمیت شرکتی، طبق رسوایی‌های رخ داده در شرکت‌ها در سال‌های گذشته اهمیت حاکمیت شرکتی و جایگاه هیات مدیره سالم و مقتدر را در ذهن قانون‌گذاران و عموم جامعه روشن ساخته است. تحقیقات تجربی نشان می‌دهد که هیات مدیره اثربخش و عملکرد شرکت با یکدیگر رابطه‌ی مثبت و تنگاتنگ دارند (حاجیها و اخلاقی، ۱۳۹۲). نقش مالکان نهادی در حاکمیت شرکتی، که با نظارت بر مدیریت شرکت ایفا می‌شود، تاکید

¹ Ruddock, et al.

شده است. برای مثال، اگراوال و همکاران^۱ (۱۹۹۶) بیان کرده‌اند که نقش فعال مالکان نهادی می‌تواند اثر مثبتی بر کیفیت صورت‌های مالی شرکت‌های سهامی داشته باشد. افزون بر این استاپلدون^۲ (۱۹۹۶) اظهار داشته است که "نظارت سهامداران نهادی می‌تواند در بین انواع گسترده‌ای از ابزارها و نیروهای بازار که برای کاهش واگرایی میان منافع مدیران و مالکان عمل می‌کنند تناسب ایجاد کند" (مرادزاده و همکاران، ۱۳۹۱).

از دیرباز هیات مدیره شرکت‌ها از اختیار قانونی و حمایت سهامداران جهت نظارت فعال بر تصمیم‌گیری‌های مدیر عامل برخوردار بوده‌اند. هیات مدیره‌های دارای دانش، مهارت و توانایی‌هایی مربوط به گونه بالقوه توانایی ارائه مزایای استراتژیک و تاکتیکی بی‌نظیر به شرکت‌ها را نیز دارا هستند. ادبیات تئوریک دو دیدگاه متضاد پیرامون نقش اندازه هیات مدیره بر عملکرد شرکت ارائه نموده است. دیدگاه اول بیان می‌دارد که هیات مدیره کوچک‌تر باعث ارتقای عملکرد شرکت می‌گردد. هنگامی که هیات مدیره از تعداد زیادی اعضا تشکیل شده باشد، مشکلات نمایندگی افزایش می‌یابد؛ زیرا تعدادی از اعضای هیات مدیره ممکن است به عنوان افراد بی‌منفعت عمل نمایند. همچنین زمانی که تعداد اعضای هیات مدیره بیش از اندازه باشد، کنترل و نظارت بر مدیرعامل به صورت کارا صورت نمی‌پذیرد. ضمن آنکه طرح‌ریزی، هماهنگی تیمی، تصمیم‌گیری و برگزاری جلسات منظم برای یک هیات مدیره بزرگ دشوار است. یک هیات مدیره بیش از اندازه بزرگ توانایی ایفای وظایف خود را به نحو احسن از دست می‌دهد و بیشتر در یک جایگاهی سمبولیک قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، دیدگاه دوم بیان می‌دارد که هیات مدیره کوچک‌تر، از مزیت‌ها و منافع نظرات و پیشنهادها تخصصی و متنوع که در هیات مدیره‌ی بزرگ‌تر وجود دارد، محروم است. ضمن آنکه هیات مدیره کوچک‌تر در ترکیب خود از مدیران غیرموظف کمتری استفاده می‌نمایند و زمان اندکی برای ایفای وظایف نظارتی و تصمیم‌گیری خود دارد (نیک‌بخت و همکاران، ۱۳۸۹). هیات مدیره به واسطه سه نقش عمده می‌تواند به موفقیت آتی شرکت کمک کنند: ۱- نقش منابع: هیات مدیره می‌تواند دسترسی به منابع برون سازمانی حیاتی را ارتقا دهد، ۲- نقش خدماتی: هیات مدیره می‌تواند پیشنهادهای مهمی را به مدیران اجرایی ارائه نماید و ۳- نقش کنترلی: هیات مدیره نظارت‌های حاکمیتی را ارائه می‌نماید و انگیزه‌هایی را برای عملکرد مدیران اجرایی تعیین می‌کند (وان - نس و همکاران، ۲۰۰۹).

¹ Agrawal, et al

² Stapledon

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های خارجی:

مشایخی^۱ (۲۰۰۸) در پژوهشی بر روی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نشان داد که توسعه هیات مدیره به همراه دوگانگی وظایف مدیران اجرایی و مالکیت نهادی در هیات مدیره باعث کاهش مدیریت سود می‌شود. از سویی دیگر، برگزاری جلسات متعدد هیات مدیره و ایجاد کمیته حسابرسی هیچ‌گونه تاثیری بر مدیریت سود ندارد.

چونگ و زانگ^۲ (۲۰۰۹) به بررسی "حاکمیت شرکتی و مالکیت نهادی" پرداختند. این تحقیق نشان می‌دهد که نسبت سهام شرکت که توسط مالکان نهادی نگهداری می‌شود، باعث افزایش کیفیت ساختار حاکمیت شرکتی می‌گردد.

الیاسانی و جیا^۳ (۲۰۱۰) طی پژوهشی به بررسی توزیع مالکیت نهادی و عملکرد شرکت‌ها پرداختند. نتایج حاصل از این پژوهش ارتباط مثبت بین مالکیت نهادی و عملکرد شرکت‌ها وجود دارد.

جامسون و همکاران^۴ (۲۰۱۲) طی پژوهشی به بررسی تاثیر ساختار هیات مدیره و ساختار مالکیت در عملکرد شرکت‌ها در هند پرداختند که نتیجه رابطه منفی معناداری بین ساختار مالکیت و عملکرد شرکت وجود دارد.

لی و پارک^۵ (۲۰۱۳) طی پژوهشی به بررسی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، حاکمیت شرکتی و کیفیت سود در کره پرداختند. نتایج پژوهش بیان‌گر این است که تمرکز مالکیت با سطح مدیریت سود ارتباط منفی داشته و در نتیجه بر کیفیت سود اثر دارد.

وایو و چیلالو^۶ (۲۰۱۴) طی پژوهشی به بررسی ارتباط حاکمیت شرکتی و کنترل و عملکرد شرکت‌ها پرداختند. در این مقاله به میزان تاثیر نقش و قدرت هیات مدیره را در عملکرد شرکت بررسی می‌کند. سود به عنوان معیار ارزیابی عملکرد شرکت و همچنین به عنوان معیاری برای دستکاری در اطلاعات از اهمیت زیادی برخوردار است و مدیران برای جبران خسارت خود تلاش در دستکاری سود دارند که نظارت هیات مدیره به

¹ Mashayekhi

² Chung, Zheng

³ Elyasiani, Jia

⁴ Jameson, et al

⁵ Lee and Park

⁶ Wayo and Chilala

عنوان معیار حاکمیت شرکتی از اهمیت زیادی برخوردار است نتایج به دست آمده نشان می‌دهد برای اطمینان از ارائه صحیح نتایج عملکرد یا شرکت وجود عوامل کنترل‌کننده مثل هیات مدیره یا حسابرس ضروری است.

پژوهش‌های داخلی

مهرانی و صفرزاده (۱۳۹۰) در پژوهشی رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت سود پرداختند. نتیجه این که بین حاکمیت شرکتی و معیارهای چندگانه کیفیت سود در صنایع مختلف یکسان نیست.

مرادزاده و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش خود رابطه بین مالکیت نهادی و مدیریت سود را بررسی کرده‌اند در این تحقیق رابطه بین تعداد سرمایه‌گذاران نهادی و همچنین تمرکز آنها با مدیریت سود بررسی شده است و به این نتیجه رسیده‌اند که این مالکیت نهادی سهام و مدیریت سود رابطه منفی معناداری وجود دارد.

بدای و بزاززاده (۱۳۹۱) در پژوهش خود رابطه بین مدیریت سود و کیفیت افشاء را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که افشاء بیشتر و کامل‌تر اطلاعات، راهکارهایی برای کاهش مدیریت سود است.

دیدار و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی اثر مستقیم مشکلات نمایندگی و کیفیت گزارشگری مالی و اثر میانجی کیفیت حسابرسی پرداختند و نتیجه بر این قرار است که درصد مالکیت نهادی و تعداد هیات مدیره رابطه مثبت و معنی‌داری با کیفیت گزارشگری مالی دارد.

نمازی و ابراهیمی (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی تاثیر ساختار مالکیت و ترکیب هیات مدیره بر کارایی فنی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های این پژوهش نظارت کارا مبنی بر اعمال نظارت فعال از جانب مالکان نهادی بر مدیریت و کاهش هزینه‌های نمایندگی سازگار است.

مهرانی و همکاران (۱۳۹۳) طی پژوهشی به بررسی رابطه بین کیفیت سود، هموارسازی سود و ریسک سهام پرداختند، و این مسئله مورد بررسی قرار گرفت که وضعیت ریسک شرکت‌هایی که سودهای با کیفیت خود را هموار می‌کنند، چگونه است. نتایج بیانگر این است که ضریب همبستگی بین شاخص کیفیت سود و ریسک سهام نشان از وجود رابطه منفی و معنادار بین کیفیت سود و ریسک سهام است، همچنین ریسک شرکت‌هایی که سود با کیفیت خود را هموار می‌نمایند، بیش از شرکت‌هایی است که سودهای بی کیفیت خود را هموار می‌کنند.

۱) اهداف و فرضیه‌های پژوهش:

با توجه به مبانی نظری مطرح شده و پژوهش‌های پیشین، فرضیه‌های اصلی پژوهش به صورت زیر تدوین شده است.

فرضیه اول: مالکیت نهادی بر تضعیف اثر مدیریت سود بر کیفیت سود تاثیر دارد.

فرضیه دوم: اندازه هیات مدیره بر تضعیف اثر مدیریت سود بر کیفیت سود تاثیر دارد.

۲) روش پژوهش:

۱-۲) جامعه آماری و نمونه آماری:

جامعه آماری این پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که دارای شرایط زیر می‌باشند.

۱) تا پایان سال ۱۳۹۴ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده‌اند.

۲) پایان سال مالی آنها ۲۹ اسفند ماه باشد. و از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ در بورس فعال باشند.

۳) اطلاعات مالی مورد نیاز به ویژه یادداشت‌های پیوست صورت‌های مالی جهت استخراج داده‌ها در دسترس باشند.

۴) شرکت‌ها طی قلمرو زمانی تحقیق، تغییر در سال مالی نداشته باشند.

روش گردآوری داده‌ها

گردآوری داده‌ها در این پژوهش در دو مرحله صورت گرفته است. در مرحله اول برای تدوین مبانی نظری پژوهش از روش کتابخانه‌ای و برای جمع‌آوری داده‌ها از نرم‌افزار ره‌آورد نوین و صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران استفاده شده است. برای آماده سازی اطلاعات از نرم‌افزار Excel استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل رگرسیونی و انجام آزمون‌های آماری نیز از نرم‌افزار Stata استفاده شده است.

۳) مدل پژوهش

مدل ۱

$$EQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 EM_{it} + \beta_2 IO_{it} + \beta_3 EM_{it} \times IO_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 CRP_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$EQ_{it} = \text{کیفیت سود} = EM_{it} = \text{مدیریت سود}$$

$$ROA_{it} = \text{بازده دارایی} = CRP_{it} = \text{نسبت عملکرد جاری صنعت}$$

$$IO_{it} = \text{مالکیت نهادی}$$

$$\varepsilon_{IT} = \text{برآورد خطا}$$

مدل ۲

$$EQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 EM_{it} + \beta_2 BS_{it} + \beta_3 EM_{it} \times BS_{it} + \beta_4 ROA + \beta_5 CRP_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$EQ_{it} = \text{کیفیت سود} \quad EM_{it} = \text{مدیریت سود} \quad BS_{it} = \text{اندازه هیات مدیره}$$

$$ROA_{it} = \text{بازده دارایی} \quad CRP_{it} = \text{نسبت عملکرد جاری صنعت} \quad \varepsilon_{it} = \text{برآورد خطا}$$

کیفیت سود: معیار کیفیت سود در این پژوهش، پایداری سود در طول دوره‌های تحقیق است. پایداری سود میزان نوآوری دوره جاری است. پایداری سود شاخصی است، که به سرمایه‌گذاران در ارزیابی سودهای آتی و جریان‌های نقدی شرکت کمک می‌کند. سرمایه‌گذاران در برآورد سودهای آتی و جریان‌های نقدی مورد انتظار خود به بخش پایدار سود بیشتر از بخش ناپایدار آن اهمیت می‌دهند (خواجوی و همکاران، ۱۳۸۹). برای سنجش پایداری سود از یک معامله رگرسیونی تک متغیره استفاده شد که در آن سود دوره جاری تابعی از سود دوره ماقبل تلقی شده است. به عبارتی، در این مدل تداوم سود به‌عنوان نماینده پایداری سود است. پایداری به‌عنوان ساختاری از کیفیت سود از رویکرد مفید بودن در تصمیم‌گیری مشتق شده است. این الگو در سال ۲۰۰۲ توسط دچو و دیچو^۱ طراحی و ارائه شده است (مشکی و نوردیده، ۱۳۹۰).

$$E_{it} = \beta_0 + \beta_1 E_{it-1} + \varepsilon_{IT}$$

$$E_{it} = \text{سود عملیاتی جاری} \quad E_{it-1} = \text{سود عملیاتی سال قبل}$$

مدیریت سود: روشی که توسط مدیریت جهت دستکاری داده به کار می‌رود. مدیریت سود دخالت عمدی در فرایند گزارشگری مالی خارجی با قصد آوردن سود است. مدل جونز تفاوت سود و وجوه نقد حاصل از عملیات را به‌عنوان ارقام تعهدی شناسایی کرده است. در این رویکرد، عقیده حاکم آن است که اطلاعات موجود در وجوه نقد حاصل از عملیات، معیاری عینی برای ارزیابی عملکرد واقعی اقتصادی واحد تجاری است و از این رو کمتر می‌تواند مورد دستکاری مدیریت قرار گیرد. در مدل جونز فرض بر این است که ارقام تعهدی غیراختیاری در طول زمان ثابت هستند^۲ (نمازی و همکاران، ۱۳۹۰).

^۱ Dichow & Dichev (2002)

^۲ لازم به یادآوری است که ارقام تعهدی قابل تفکیک به دو جز اختیاری و غیراختیاری هستند در حالی که ارقام تعهدی غیراختیاری به‌واسطه مقررات، سازمان‌ها و دیگر عوامل خارجی محدود هستند، ارقام تعهدی اختیاری، قابل اعمال‌نظر توسط مدیریت هستند. بنابراین جز اختیاری ارقام تعهدی به‌عنوان شاخصی در جهت کشف مدیریت سود در واحدهای تجاری، در مطالعات حسابداری به‌کار گرفته شده است.

$$TAC_{it} = NI_{it} - CFO_{it}$$

$$NDA_{it} = \beta_1 \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + \beta_2 \left(\frac{\Delta Rev - \Delta Rec}{A_{it-1}} \right) + \beta \left(\frac{PPE}{A_{it-1}} \right) + \varepsilon_{it}$$

TAC_{it} = اقلام تعهدی

CFO_{it} = جریان وجه نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی

NI_{it} = سود خالص در دوره t

NDA_{it} = اقلام تعهدی غیر اختیاری

ΔRev = تغییر در کل درآمد سال t و t-1

ε_{it} = برآورد خطا

A_{it-1} = کل دارایی‌های سال قبل

PPE = اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات

ΔRec_{it} = تغییر در کل حساب‌های دریافتی t و t-1

سپس این ضرایب برآوردی حاصل از رگرسیون شرکت کنترل برای برآورد میزان اقلام تعهدی مدیریت شده برای هر شرکت نمونه از طریق کسر نمودن اقلام تعهدی مدیریت نشده از جمع اقلام تعهدی به شرح زیر است:

$$DA_{it} = TAC_{it} - NDA_{it}$$

متغیرهای تعدیل‌گر: در این پژوهش مالکیت نهادی و اندازه هیات مدیره به‌عنوان نماینده مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی، به علت نقش نظارتی آنها در شرکت‌ها انتخاب شده است. اندازه هیات مدیره و مالکیت نهادی دو معیار از حاکمیت شرکتی است، نظارت بر شرکت‌ها از طریق مالکیت نهادی را برای توجه به عملکرد شرکت و توجه کمتر به رفتار فرصت‌طلبانه یا خدمت به خود وادار کند. مالکیت نهادی دارای توانایی بیشتر در کشف مدیریت سود هستند زیرا آنان به اطلاعات مربوط و به موقع دسترسی دارند. هیات مدیره شرکت نقش اساسی را در کنترل مسئله نمایندگی ایفا می‌کند. هیات مدیره مهم‌ترین عامل در کنترل و نظارت بر مدیریت شرکت و محافظت از منابع سهامداران قلمداد می‌شود.

مالکیت نهادی: طبق تعریف ارائه شده در مبانی نظری پژوهش مالکیت نهادی از طریق مجموع درصد سهام تحت تملک سهامداران نهادی دارای بیشتر از ۵٪ مالکیت اندازه‌گیری می‌شود.

تعداد هیات مدیره: اندازه هیات مدیره به‌عنوان عنصری با اهمیت در ویژگی‌های هیات مدیره است. شواهد تجربی حاکی از آن است که هیچ‌گونه اتفاق نظری در خصوص اندازه هیات مدیره وجود ندارد. تعداد اعضای هیات مدیره باید محدود باشد تا امکان بحث و تبادل نظر در خصوص مسائل و مشکلات شرکت مهیا گردد. اندازه هیات مدیره براساس میزان و تعداد افراد تشکیل‌دهنده هیات مدیره محاسبه می‌شود. در این پژوهش

اندازه هیات مدیره به دو شاخص تقسیم‌بندی شده که شاخص اول بیانگر اندازه هیات مدیره بین ۴ الی ۶ نفر می‌باشد که ضریب صفر و شاخص دوم بیانگر اندازه هیات مدیره ۶ و بیشتر می‌باشد که ضریب یک اندازه‌گیری شده است (ولی پور و همکاران، ۱۳۹۲).

بازده دارایی: یکی از مهمترین معیارها برای سنجش کارایی مدیران به خصوص برای نظارت بر مراکز سرمایه‌گذاری است که از سود عملیاتی بر کل دارایی‌های شرکت اندازه‌گیری می‌شود.

$$ROA = \frac{\text{سود عملیاتی}}{\text{کل دارایی شرکت}}$$

عملکرد نسبی صنعت جاری: نسبت سود عملیاتی بر جمع دارایی‌های ابتدای دوره.

$$CRP = \frac{\text{سود عملیاتی}}{\text{کل دارایی‌های ابتدای دوره}}$$

یافته‌های پژوهش آمار استنباطی

نتایج برای آزمون فرضیه اول در جدول زیر آورده شده است.

جدول شماره (۱): آمار توصیفی

متغیرها	تعداد داده‌ها	میانگین	مینیمم	ماکزیمم	انحراف معیار	چولگی	کشدگی
کیفیت سود	۷۶۳	۰,۱۴۷۱	-۰,۳۴۸۴	۰,۹۳۰۳	۰,۱۳۰۷	۱,۱۷۶	۴,۰۶۸
مدیریت سود	۷۶۳	۰,۰۳۵۰	۰,۰۰۰۰۱	۰,۶۱۰۲	۰,۰۵۰۷۵	۳,۷۴۰	۲۶,۵۳۸
اندازه هیات مدیره	۷۶۳	۵,۲۸۴۴	۴	۸	۰,۵۷۶۵	۱,۹۰۴	۴,۵۰۱
مالکیت نهادی	۷۶۳	۰,۳۲۸۵	۰,۰۰۰	۰,۹۷۸۱	۰,۳۲۸۱	۰,۴۹۹	-۱,۲۷۴
فرصت‌های رشد	۷۶۳	۰,۱۷۶۶	-۰,۳۳۷۴	۱,۹۹۴۳۰	۰,۱۸۳۰	۲,۹۸۶	۲۱,۰۸۸
بازده دارایی	۷۶۳	۰,۱۴۹۱	-۰,۳۴۸۴	۰,۷۱۶۳۴	۰,۱۶۲۷	۴,۰۱۶	۳۳,۹۹۶

جدول (۲): نتایج حاصل از برآورد مدل ۱

متغیرها	ضرایب	آماره t	p-value
مدیریت سود	۰,۰۵۷۰۹	۱,۴۵۶۸	۰/۱۴۵۶
مالکیت نهادی	-۰/۰۰۰۲۵	-۱,۹۴۱۷	۰,۰۵۲۶
مدیریت سود * مالکیت نهادی	۰,۰۰۱۳۲۷	۱,۹۴۳۲	۰,۰۵۲۴
بازده دارایی	۰,۳۵۰۹۹	۱۵,۰۰۶۷۹	۰,۰۰۰۰
فرصت‌های رشد	۰,۲۱۹۰	۱۰,۰۱۳	۰/۰۰۰
عرض از مبدا	۰,۰۷۰۱۱	۸,۴۹۲۶	۰/۰۰۰
F معنی‌داری کل رگرسیون	۲۷,۰۳۷		۰/۰۰۰
R ²	۰/۷۹۴۹	-	-
آماره جارک- برا		۰,۷۱۹۱	
کای- دو		۰,۶۶	

برای بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون جارک- براء استفاده می‌شود. هرگاه مقدار آماره جارک- برا از مقدار کای- دو محاسبه شده کمتر باشد نشان می‌دهد فرضیه صفر مبنی بر نرمال بودن داده‌ها تایید می‌شود. یعنی داده‌ها دارای توزیع نرمال هستند.

براساس نتایج به‌دست آمده ملاحظه می‌گردد احتمال آماره F لیمر محاسباتی از ۰/۰۵ کمتر بوده در نتیجه روش داده‌های تابلویی انتخاب می‌شود و بایستی از روش داده‌های تابلویی استفاده گردد. همچنین نتایج آزمون هاسمن نشان می‌دهد اثرات تصادفی تایید شده و بایستی اثرات تصادفی گزارش شود.

نتایج نشان می‌دهد که مدیریت سود بر کیفیت سود تاثیر ندارد. لیکن در سطح اطمینان ۹۰ درصد مالکان نهادی و اثر متقابل مدیریت سود و مالکیت نهادی بر کیفیت سود تاثیر مثبت و معنادار دارند. که این نشان دهنده این مطلب است که مالکان نهادی بر کاهش اثر مدیریت سود بر کیفیت سود تاثیر منفی دارند که باعث قبول فرضیه شده است.

برای تحلیل نتایج آزمون فرضیه فرعی دوم داریم:

جدول ۳: نتایج حاصل از برآورد مدل ۲

متغیرها	ضرایب	آماره t	p-value
مدیریت سود	-۰,۰۳۵۸	۰,۰۷۷۲۹	۰,۹۳۸۴
اندازه هیات مدیره	۰,۰۰۱۰۷	۰,۰۶۸۴	۰,۹۴۵۴
مدیریت سود % اندازه هیات مدیره	-۰,۰۴۳۵	-۰,۰۸۳۷	۰,۹۳۳۳
بازده دارایی	۰,۳۷۶۴	۱۶,۹۷۶	۰,۰۰۰۰
عملکرد نسبی صنعت	۰,۳۱۲۸	۱۵,۷۹۲	۰/۰۰۰
عرض از مبدا	۰,۰۳۵۸	۹,۹۸۹۹	۰/۰۰۰
F معنی داری کل رگرسیون	۴۴۸,۰۹۲۷		۰/۰۰۰
R ²	۰,۷۴۷۵	-	-
آماره جارک- بر		۰,۸۲۹	
کای- دو		۰,۶۶	

برای بررسی نرمال بودن داده‌ها نیز از آزمون جارک- براء استفاده می‌شود. هرگاه مقدار آماره جارک- برا از مقدار کای- دو محاسبه شده کمتر باشد نشان می‌دهد فرضیه صفر مبنی بر نرمال بودن داده‌ها تایید می‌شود. یعنی داده‌ها دارای توزیع نرمال هستند. براساس نتایج به‌دست آمده ملاحظه می‌گردد احتمال آماره F لیمر محاسباتی از ۰/۰۵ کمتر بوده در نتیجه روش داده‌های تابلویی انتخاب می‌شود و بایستی از روش داده‌های تابلویی استفاده گردد. در روش داده‌های تابلویی برای انتخاب روش اثرات ثابت یا تصادفی از آزمون هاسمن استفاده می‌شود که نتایج این آزمون نشان می‌دهد اثرات تصادفی تایید شده و بایستی اثرات تصادفی گزارش شود. براساس نتایج اثر متقابل مدیریت سود و اندازه هیات مدیره ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

همانطور که مشاهده گردید، هدف این پژوهش بررسی تاثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر تضعیف اثر مدیریت سود بر کیفیت سود است. مالکان نهادی، سرمایه‌گذاران حرفه‌ای بوده که دارای اهداف بلندمدت هستند. با توجه به حجم سرمایه‌گذاری و حرفه‌ای بودن مالکان نهادی، حضور آنان موجب نظارت بر مدیریت می‌شود این موضوع می‌تواند به جای تمرکز به اهداف کوتاه‌مدت سودآوری موجب توجه به حداکثرسازی

ارزش بلندمدت شرکت شود و این یک ارتباط مستقیم است. نظارت مالکان نهادی بر فعالیت‌ها و اقدامات مدیریت موجب کاهش توانایی و فرصت‌های آنان در استفاده از اقلام تعهدی اختیاری برای مدیریت کردن سود و این موجب بهبود کیفیت سود می‌شود (مرادزاده فرد و همکاران، ۱۳۹۱).

نتایج فرضیه اول در سطح اطمینان ۹۰ درصد نشان دهنده اثر بین مالکان نهادی بر تضعیف اثر مدیریت سود و کیفیت سود است، که این اثر دال بر فرضیه مبنی بر اعمال نظارت از جانب سهامداران عمده می‌باشد. طبق این فرضیه وجود تاثیر مثبت بین مالکان نهادی و مدیریت سود موید فرضیه نظارت فعال است. طبق این فرضیه، سرمایه‌گذاران از تخصص، منابع و انگیزه کافی جهت نظارت بر مدیریت سود برخوردارند و در نتیجه موجب ارتقای کیفیت سود در شرکت‌ها است. هیات مدیره مهم‌ترین عامل در کنترل و نظارت بر مدیریت شرکت و محافظت از منافع سهامداران قلمداد می‌شود. نتایج آزمون فرضیه دوم نشان می‌دهد اثر اندازه هیات مدیره بر تضعیف اثر مدیریت سود بر کیفیت سود وجود ندارد. زمانی که تعداد اعضای هیات مدیره بیش از اندازه باشد، کنترل و نظارت بر مدیریت به صورت کارا صورت نمی‌پذیرد. ضمن آن که طرح برنامه‌ریزی، هماهنگی تیمی، تصمیم‌گیری و برگزاری جلسات منظم برای یک هیات مدیره‌ی بزرگ دشوار است. یک هیات مدیره بیش از اندازه بزرگ توانایی ایفای وظایف خود را به نحو احسن از دست می‌دهند و بیشتر در یک جایگاه سمبولیک قرار می‌گیرد (نمازی و ابراهیمی، ۱۳۹۲). اثر بخشی هیات مدیره علاوه بر اندازه آن، با ترکیب هیات مدیره نیز مرتبط است. همچنین زمانی که تعداد بیش از اندازه باشد، کنترل و نظارت بر مدیرعامل به صورت کارا صورت نمی‌پذیرد. ضمن آنکه طرح‌ریزی، هماهنگی تیمی، تصمیم‌گیری و برگزاری جلسات منظم برای یک هیات مدیره بزرگ دشوار است. یک هیات مدیره بیش از اندازه بزرگ توانایی ایفای وظایف خود را به نحو احسن از دست می‌دهد و بیشتر در جایگاهی سمبولیک قرار می‌گیرد. ضمن آنکه هیات مدیره کوچک‌تر در ترکیب خود از مدیران غیرموظف کمتری استفاده می‌نمایند و زمان اندکی برای ایفای وظایف نظارتی و تصمیم‌گیری خود دارند (نیک‌بخت و همکاران، ۱۳۸۹). با توجه به ماده‌ی (۱۰۷) اصلاحیه قانون تجارت، تعداد اعضای هیات مدیره‌ی بیشتر شرکت‌های سهامی عام، ۵ نفر است. از این رو مورد مذکور ممکن است نتایج تحقیق را تحت تاثیر قرار داده باشد (نیک‌بخت و همکاران، ۱۳۸۹).

همچنین هر چقدر میزان و سطح مالکان نهادی بیشتر باشد، نظارت بر مدیریت بهتر انجام می‌شود و این ارتباط مستقیم است. نظارت مالکان نهادی بر فعالیت‌ها و اقدامات مدیریت موجب کاهش توانایی‌ها و فرصت‌های آنان در استفاده از اقلام تعهدی اختیاری برای مدیریت کردن سود شده و این خود موجب بهبود

کیفیت سود خواهد شد (مرادزاده و همکاران، ۱۳۹۱). بر طبق نتایج به دست آمده در پژوهش فاروق و سویونو (۲۰۱۳)، مالکان نهادی تأثیری بر تضعیف اثر مدیریت سود بر کیفیت سود ندارد و اندازه هیات مدیره بر تضعیف اثر مدیریت سود بر کیفیت سود دارای تأثیر معنادار است، دلیل این مغایرت می‌تواند به این دلیل باشد که تعداد اعضای هیات مدیره در پژوهش فاروق و سویونو بین ۲ تا ۱۰ نفر می‌باشد، ولی در ایران تعداد اعضای هیات مدیره به دلیل وجود ماده ۱۰۷ در بیشتر شرکت سهامی عام ۵ نفر می‌باشد. همچنین تفاوت در شرایط اقتصادی، فرهنگی کشورها و بورس اوراق بهادار آن‌ها نیز می‌تواند دلیل دیگری بر این مغایرت‌ها باشد.

پیشنادهای پژوهش

پیشنادهای حاصل از نتایج پژوهش

- ۱) به دلیل تأثیر مثبتی که مالکان نهادی بر تضعیف اثر مدیریت سود بر کیفیت سود دارند به منظور کاهش مدیریت سود در شرکت‌ها به طبع آن بهبود کیفیت سود به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌گردد در هنگام سرمایه‌گذاری به مالکان نهادی در شرکت‌ها توجه بیشتری نمایند. همچنین سازمان بورس می‌تواند نظارت بر مالکان نهادی با توجه بیشتری مدنظر قرار دهد.
- ۲) نتایج حاصل از پژوهش بیانگر این است که اندازه هیات مدیره تأثیری بر روی تضعیف اثر مدیریت سود بر کیفیت سود ندارد، بنابراین پیشنهاد می‌شود نظارت بیشتری بر تعداد انتخاب اعضای هیات مدیره برقرار شود.

پیشنادهایی برای پژوهش آتی

- ۱) به محققان پیشنهاد می‌شود اثر سایر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر ارتباط مدیریت سود و کیفیت سود را بررسی نمایند.
- ۲) پژوهشگران آتی می‌توانند از سایر معیارهای کیفیت سود استفاده نمایند.
- ۳) پیشنهاد می‌شود به جای استفاده از ارقام تعهدی اختیاری از مدیریت واقعی سود استفاده شود.

محدودیت‌های پژوهش

- ۱) در این پژوهش عامل تورم در نظر گرفته نشده است که این موضوع می‌تواند باعث تغییر نتایج شود.

۲) برای اندازه‌گیری مدیریت سود و کیفیت سود به ترتیب از اقلام تعهدی اختیاری و پایداری سود استفاده شده است که استفاده از سایر مدل‌ها احتمالا می‌تواند باعث تغییر نتایج شود.

منابع

۱. اعتمادی، حسین، مومنی، منصور، فرح‌زاده‌دهکردی، حسن، (۱۳۹۱). «مدیریت سود، چگونه کیفیت سود شرکت‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد». مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال چهارم، شماره ۲، شماره پیاپی (۱۲). صفحه ۱۰۱ تا ۱۲۲.
۲. بداغی، حمید، بزاززاده، حمیدرضا، (۱۳۹۱). «رابطه بین مدیریت سود و کیفیت افشاء». فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، شماره ۱۷، صفحه ۱۷۳.
۳. حاجیها، زهره، اخلاقی، حسنعلی، (۱۳۹۱)، «بررسی عوامل موثر بر ساختار سررسید بدهی شرکت: آزمون تجربی تئوری نمایندگی و تئوری اهرم»، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی سال دهم - شماره ۳۳ - بهار ۱۳۹۱، صفحه ۱۴۷ تا ۱۶۷
۴. خواجوی، شکرالله، ولی‌پور، هاشم، عسکری، سهیلا، (۱۳۸۹) «بررسی تاثیر محافظه‌کاری بر پایداری سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات حسابداری و حسابرسی» شماره ۸
۵. دهقان‌نیری، حسام‌الدین، فانی، مصطفی، صادق‌پور، علی‌اصغر، (۱۳۸۸)، «الگوی برای ارزیابی عملکرد هیات‌های مدیره» پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تیر ۱۳۸۸، شماره ۲۰۶
۶. دیدار، حمزه، منصورفر، غلامرضا، پرویزی‌راحت، محمدرضا، (۱۳۹۱). «بررسی اثر میانجی کیفیت حسابرسی در رابطه بین مشکلات نمایندگی و کیفیت گزارشگری مالی». فصلنامه دانش حسابداری مالی، سال دوم، شماره چهار
۷. رحمانی، علی، بشیری‌منش، نازنین، (۱۳۹۲). «بررسی قدرت کشف مدل‌های مدیریت سود». مجله تحقیقات حسابداری و حسابرسی. شماره نشریه ۱۹، پاییز ۱۳۹۲
۸. سرهنگی، حجت، جلالی‌فراهانی، عباس، (۱۳۹۳)، «بررسی تاثیر ساختار مالکیت بر پایداری سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» فصلنامه حسابداری و حسابرسی، سال ششم شماره ۲۴

۹. فروغی، داریوش، محمدی، هاجر. (۱۳۹۰). «چگونگی ارتباط تامین مالی از بدهی و کیفیت سود». پژوهش حسابداری، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۰
۱۰. مرادزاده فرد، مهدی، زارع‌زاده مهریزی، محمدصادق، تاکر، رضا، (۱۳۹۱). «تاثیر پاداش هیات مدیره و مالکیت نهادی بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» فصلنامه بورس اوراق بهادار، شماره ۱۸، سال پنجم، شماره ۱۸، صفحه ۱۳۷ تا ۱۵۲
۱۱. مشکی، مهدی، نوردیده، لطیف، (۱۳۹۱)، "بررسی تاثیر مدیریت سود در پایداری سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، پژوهش‌های حسابداری مالی، شماره ۴، بهار ۱۳۹۱
۱۲. مهرانی، ساسان، اسکندری، قربان، گنجی، حمیدرضا، (۱۳۹۳) «رابطه بین کیفیت سود، هموارسازی سود و ریسک سهام، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال یازدهم، شماره ۴۲، تابستان ۱۳۹۳، صفحه ۱۳۹ تا ۱۱۷.
۱۳. مشایخی، بیتا، مهرانی، ساسان، مهرانی، کاوه، کرمی، غلامرضا، (۱۳۸۴)، "نقش اقلام تعهدی اختیاری در مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۲، زمستان ۱۳۸۴، صص ۶۱ تا ۷۴.
۱۴. مهرانی، کاوه، صفرزاده، محمدحسین، (۱۳۹۰). «تبیین ارتباط بین حاکمیت شرکتی و کیفیت سود با رویکرد بومی» مجله دانش حسابداری، سال دوم، شماره ۷، صفحه ۶۹ تا ۹۸.
۱۵. نمازی، محمد، ابراهیمی، شهلا (۱۳۹۲). «بررسی تاثیر ساختار مالکیت و ترکیب هیات مدیره بر کارایی فنی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» مجله دانش حسابرسی، سال چهارم، شماره ۱۲، صفحه ۳۵ تا ۵۷
۱۶. نمازی، محمد، بایزیدی، انور، جبارزاده کنگرلویی، سعید، (۱۳۹۰)، "بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" تحقیقات حسابداری و حسابرسی، سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۰
۱۷. نیک‌بخت، محمدرضا، سیدی، عزیز، حسینی، روزبه، (۱۳۸۹)، "بررسی تاثیر ویژگی‌های هیات مدیره بر عملکرد شرکت"، مجله پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز، دوره دوم شماره اول پیاپی ۵۸، ۳، صفحه‌ی ۲۵۱-۲۷۰

۱۸. ولی‌پور، هاشم، زارع، لادن، خرم، اسماعیل، (۱۳۹۲)، "نقش تعدیل‌کنندگی اندازه هیات مدیره در رابطه بین ساختار مالکیت و ارزش شرکت"، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، سال ششم، شماره شانزده، بهار ۱۳۹۲

19. Al Farooque ,O, Suyono,E. (2013) «Link between Market Return,Governance and Earnings Management: An Emerging Market Perspective ».working papers series. <http://ssrn.com/abstract=231612>
20. Bhattacharya P.S, Graham M. (2007). Institutional Ownership and firm performance, evidence from finlan .working paper .No33. <http://ssrn.com/abstract=1000092>
21. Chung K. H, Zheng H.(2009). Corporate Governance and institutional ownership .Jornal of Financial and Quantitative Analysis, forthcoming.
22. Elyasiani, E. Jia, J. (2010) .Distribution of Institutional Ownership and Corporate Firm Performance, Journal of Banking & Finance 34 (2010) 606–620
23. Lee, D. Park, Y.(2013). Corporate Social Responsibility, Corporate Governance and earning quality: Evidence from Korea. *Corporate Governance: An International Review*, Vol. 21, Issue 5, pp. 447-467, 2013
24. Jameson, M. Pervost, A. (2012) Puthen purackal, J. A Study o of Corporate Governance Practices on Firm Performance in Indian . April 17,. working papers series. <http://ssrn.com/abstract=2219848>
25. Kapopoulos, P. and S.Lazaretou(2007). Corporate Ownership Structure and Firm Performance: Evidence from Greek Firms . Corporate Governance: An Institutional Review . vol .15,No.2, pp.144-158
26. Mashayekhi. B. (2008). Corporate governance and earnings management: evidence from Iran, Afro – Asian Journal of Finance and Accounting , Vol .1, No .2, pp.180-198
27. Wayo,M, Chilala,O,(2014),”Corporate governance,control and Corporate performance”SSRN-id2534317.Pdf